

گفت‌وگوی «شرق» با احمدرضا معتمدی

سایه ملاحظات غیر فرهنگی کوتاه‌شدنی نیست!



فرانک آرتا

بعد از انتخاب‌نشدن فیلم «یوف‌کورا» به کارگردانی احمدرضا معتمدی از سوی هیئت انتخاب جشنواره فیلم فجر، این کارگردان سینما نامه‌ای به رئیس‌جمهور نوشت و در آن مطالبات خود را مطرح کرد. این نامه که به طور اختصاصی در اختیار «شرق» قرار گرفته بود، در تاریخ ۲۳ بهمن منتشر شد. بعد از آن هم به دلیل برخی از انتقادات در برنامه هفت، کمیسیون فرهنگی مجلس سه نفر را برای شنیدن اعتراضات‌شان دعوت کرد که در آن میان نام احمدرضا معتمدی به چشم می‌خورد. اما او نرفت. با معتمدی درباره سرنوشت فیلمش گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که می‌خوانید:

با زورخودری نگارش نامه مستقیم‌تان به رئیس‌جمهور را چگونه دیدید؟

در حقیقت نکته‌ای که می‌خواهم بیان کنم، این است که من مطالبه فرهنگی- هنری دارم که محتوای نامه‌ی این‌جانب درون این context فرهنگی- هنری قابل تفسیر است. حالا نمی‌دانم چرا تاکنون پاسخ مناسبی دریافت نکرده‌ام! نمی‌دانم چه دستی در کار بود که حرف مرا از محمل اصلی‌اش خارج کرد و کوشید به‌واسطه سیاسی معرفی‌کردن نامه‌ام، من را که معترض بودم در جایگاه متهم نباشد؟! حرف من، همان حرفی است که در فیلمم با صدای رسای هنر گفته شده است. من فارغ از تحولات سیاسی، به آنچه در باطن و روح جامعه می‌گذرد، پرداخته‌ام و آن چیزی نیست جز شکاشک فکری و هویتی و معنایی که درون ما را متلاطم کرده است. این سخن عمیق و فاخر کجا و اغراض و انگیزه‌های سیاسی کجا؟! من نگران عالم فرهنگم و می‌دانم تاریخ، ما را به دلیل غفلت از فرهنگ و معضلات و گزندهایش، نکوهش خواهد کرد. شاید مسئله‌ای از مسئله موسیقی، روزآمدتر و جاری‌تر نباشد. من پاسخ این مسئله را از دل ذخایر و اندوخته‌های فرهنگی‌مان بیرون کشیدم و پیش‌روی نسل چالشگر و پرحرارت امروز گذاشتم. تمام اتهام من در همین حقیقت خلاصه می‌شود که جوان امروز را به تاریخ معنوی و تسلی‌بخش خودش ارجاع داده‌ام؛ تاریخی که چون او از آن بی‌خبر مانده، به تاریخ دیگر که بیگانه هستند، پانهنده شده است. تاریخ ما آن قدر از داشته‌ها و سرمایه‌های فرهنگی آکنده و لبریز است که حتی می‌تواند طبع و ذائقه فرهنگی جوان امروز را هم راضی کند. آیا این حرف، کمترین دلالت سیاسی دارد؟! واقعا از اخلاق و انصاف به دور است که چنین ایدیه‌هایی، قربانی محاسبات و معادلات سیاسی شوند. افسوس که حق این فیلم به دلیل ملاحظات غیرفرهنگی و غیرهنری و مصلحت‌اندیشی‌هایی که بیرون از محتوا و سخن آن قرار داشت، تضییع شد. آقای رئیس‌جمهور در سال‌های گذشته، بارها به گونه‌ای همدلانه با اهالی فرهنگ سخن گفته و به مقولات فرهنگی از قبیل موسیقی، خوش‌بینانه نگاه کرده است. حال چطور است در مهم‌ترین جشنواره فرهنگی سال، فیلمی که در همین مسیر حرکت کرده، بدون هیچ توضیح و توجیهی، از صحنه رقابت حذف می‌شود؟! این تناقض نیست؟ معیارهای دواگانه، با صدق و راستی سازگار نیست. من از ایشان به‌عنوان رئیس عالی‌ترین و کانونی‌ترین نهاد فرهنگی کشور انتظار دارم پرسش من را، بی‌پاسخ رها نکنند.

واقعا چرا به شخص رئیس‌جمهور نامه نوشتید؟ مگر در وزارتخانه ارشاد کسی نبود که پاسخ‌گو باشد؟

برای اینکه هیچ‌کدام از مسئولان جشنواره پاسخ‌گو نبودند! بارها با تلفن مسئولان جشنواره تماس گرفتم اما جواب ندادند.

■ مشاور آقای وزیر چطور؟

آقای مدیران تلفن من را جواب دادند. اما پاسخ روشنی دریافت نکردم.

چطور؟

یعنی جواب روشنی ندادند. فقط گفتند این موضوع را پیگیری می‌کنم و به شما خبر می‌دهم. ایشان و آقای رضاداد همدلی زیادی با من کردند. حتی آقای رضاداد که فیلم را دیده بود از امتیاز ویژه فیلم برای جایزه کارگردانی سخن می‌گفت. اما به‌رحال نتیجه‌ای برای حضور فیلم در جشنواره حاصل نشد.

■ با این نگاه که همیشه و همه‌جا اعلام کرده‌اید با سیاست کاری ندارید و مایل نیستید فرهنگ و هنر را با سیاست درآمیزد. آیا نامه به رئیس‌جمهور به سیاسی‌شدن موضوع دامن نمی‌زند؟

به هیچ عنوان. دلیلش هم کاملا مشخص است. ببینید من فیلمی با عنوان «راه‌رفتن روی سیم» ساختم که فیلمی روشنفکرانه و فرهنگی است. حالا هیئت انتخاب فیلم را نپذیرفت. من اعتراض کردم و باید دلیل آن را به من می‌گفتند که نگفتند! کما اینکه به آقای عیاری گفتند فیلم «کانایه» مشکل حجاب دارد یا درباره فیلم «ملی و راه‌های نرفته‌اش» به‌صراحت گفتند ترویج فمینیست است. اما دلیل نپذیرفتن فیلم من را نگفتند!! من حق دارم بدانم فیلمی که نپذیرفته شده، چرا و به چه علت مغفول واقع شده. درحالی‌که موضوع فیلم من درباره حکمت موسیقی است. بحران هویت جوانان را نشانه گرفته و ما که امروز در جهانی هستیم که همه‌های زیادی علیه فرهنگ ما می‌شود، فیلم درباره فرهنگ غنی فراموش‌شده و تاراج‌رفته ما می‌گوید. فیلم درباره نسلی سخن می‌گوید که به دلیل بریدگی و گسستگی از تاریخ و فرهنگ و هویت بومی‌اش، دچار پریشانی و سردرگمی زبانی شده و به دنبال راهی برای گریز از این وضع ناخوشاوند است.

درباره نسلی سخن می‌گوید که به دلیل بریدگی و گسستگی از تاریخ و فرهنگ و هویت بومی‌اش، دچار پریشانی و سردرگمی زبانی شده و به دنبال راهی برای گریز از این وضع ناخوشاوند است. اکنون سؤال این است فیلمی با چنین مضمونی چطور می‌تواند جز، فیلم‌های جشنواره نباشد یا اگر ضعیف بود پنج نفر معتمد و سینماشناس را دعوت کنیم تا درباره آن نظر دهند

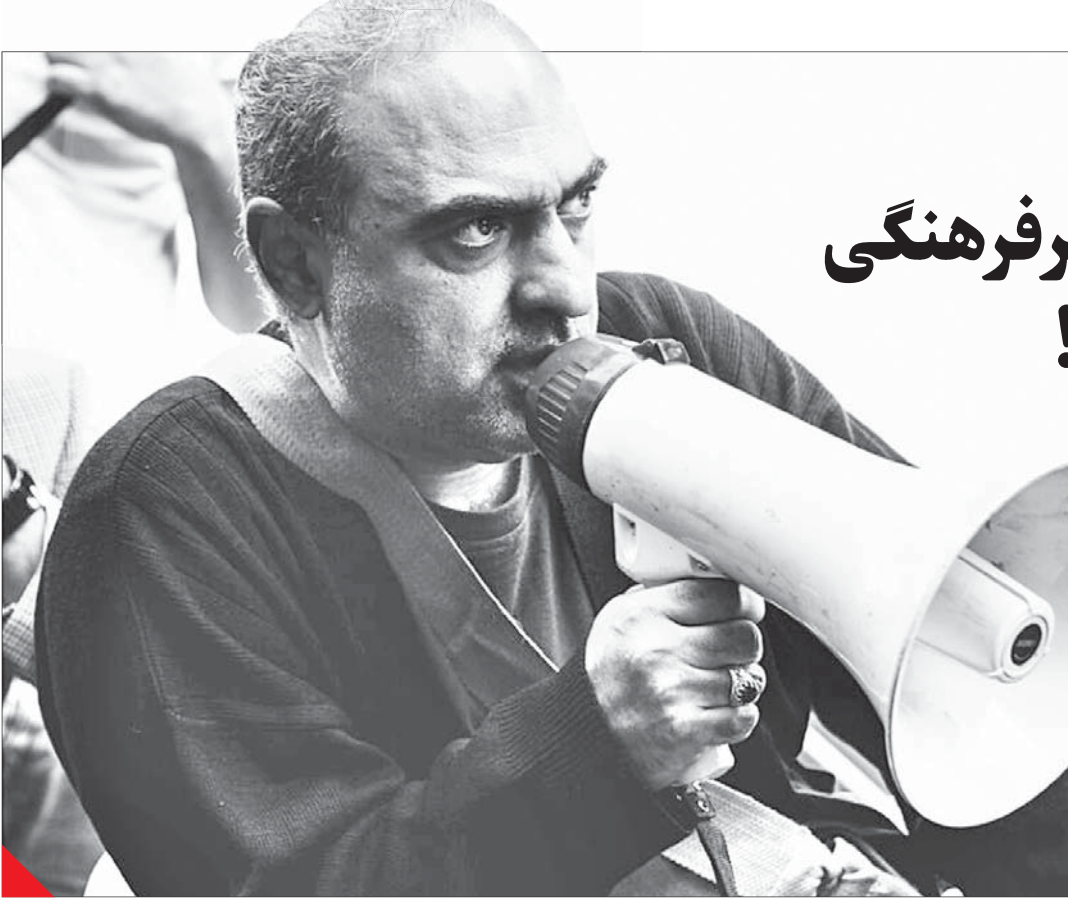
درباره نسلی سخن می‌گوید که به دلیل بریدگی و گسستگی از تاریخ و فرهنگ و هویت بومی‌اش، دچار پریشانی و سردرگمی زبانی شده و به دنبال راهی برای گریز از این وضع ناخوشاوند است. اکنون سؤال این است فیلمی با چنین مضمونی چطور می‌تواند جز، فیلم‌های جشنواره نباشد یا اگر ضعیف بود پنج نفر معتمد و سینماشناس را دعوت کنیم تا درباره آن نظر دهند

اکنون سؤال این است فیلمی با چنین مضمونی چطور می‌تواند جز، فیلم‌های جشنواره نباشد یا اگر ضعیف بود پنج نفر معتمد و سینماشناس را دعوت کنیم تا درباره آن نظر دهند. پس نگاه من کاملا فرهنگی – هنری است. در همین مسیر بعد از اعتراضاتم، همچنان در زمان برگزاری جشنواره به مسیر فرهنگی ادامه دادم. به هیچ‌کدام از رسانه‌ها پاسخ مثبت برای انجام مصاحبه ندادم. چون نمی‌خواستم مستمسکی دست برخی از گروه‌ها بدهم. صبر کردم و بعد از اختتامیه نامه رئیس‌جمهور را برای انتشار به روزنامه «شرق» دادم. اصلا هم دلم نمی‌خواهد وارد فضای سیاسی شوم.

■ من دغدغه‌های شما را کاملا می‌فهمم. اما می‌دانید طبق قانون اساسی پست ریاست‌جمهوری، پستی سیاسی است و بالاترین فرد از نظر اجرایی در کشور محسوب می‌شود. شما که به ایشان نامه نوشتید، خودبه‌خود مسئله سیاسی هم می‌شود. نظرتان چیست؟

ایشان فقط یک مقام سیاسی نیست، بلکه رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی و همین‌طور بالادست وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم هست. درضمن، نه محتوای فیلم من سیاسی است و نه نامه‌ای که به ایشان نوشتم. اگر به متن نامه من توجه کرده باشید، درک می‌کنید که من مطلقا از وجه فلسفی و فرهنگی به همه معماران فرهنگ و هنر این سرزمین اشاره کردم. چرا یک موضوع فرهنگی خالص را به سطح نازل موضع سیاسی فرومی‌کاهند؟! این همه آیات و روایات، این همه شعر و اسطوره و ادبیات در تاریخ چند هزارساله برای تشخیص و تبیین

سینما



عکس: آرتین رهبر شرق

یک موضع فرهنگی ناکافی است؟! چرا مباحث سترک فرهنگ این مرزوبوم را با زورنابلسم سیاسی در هم می‌آمیزید؟!

■ همین نگاه و دید فلسفی ورنه‌ای به واژگان شما داده که فهم مطلب را کمی دشوار کرده. به عبارت دقیق‌تر، کلمات مغلق هستند. به نظر شما این متن بر راحتی قابل فهم است؟

خبر، این‌طور نیست. متنی که من نگاشتم، مطابق یک معیار بود و برای اهل فرهنگ و هنر، فهم‌پذیر. از این گذشته، حتی اگر کسی با کسانی از فهم این متن ناتوان بودند، چرا به جای پرسش درباره مضامین فرهنگی آن، به تاول سیاسی‌اش دست زدند؟! این بیش از درک‌نکردن، نوعی مصادره به مطلوب و استفاده ابزار سیاست است. درد و دغدغه من، از جنس فرهنگ و هنر است و هیچ نسبتی با عالم سیاست ندارد. سیاست و اغراض سیاسی، گوارای کام اهل سیاست. این زبان من است. من نمی‌توانم با زبان دیگری ببیندشم و بنویسم. اصولا هر آدم فرهنگی، موضع فرهنگی و البته زبان خاص خودش را دارد. به‌همین دلیل معتقدم یک انسان عمیقا فرهنگی، مطالباتش و راه‌های رسیدن به آن مطالبات را در چارچوب فرهنگ تبیین و بیان می‌کند.

■ البته علم سیاست هم برای خودش دنیایی دارد. منتها سیاسی‌کاری‌مان هم دیده‌پنکی بر سر آن!

کاملا، البته منظور من هم همین است. بنده سیاسی‌کاری که نوعی دغل‌کاری است را نقد می‌کنم. وگرنه علم سیاست ورنه‌ای است. اصلا فارابی کتابی درباره سیاست دارد یا خواجه نظام‌الملک خودش شخصیتی سیاسی است.

■ آقای معتمدی! یکی از کارهای درخشان شما فیلم «زشت و زیبا» در سال ۱۳۷۷ بود که مفاهیم عرفانی به‌زیبایی در این فیلم به تصویر کشیده شد. چرا به این مسیر ادامه ندادید؟

اتفاقا سؤال من هم همین است. چرا فیلمی که در آن زمان به جشنواره فیلم کن دعوت شد، به این جشنواره ارسال نشد؟ چرا فیلمی مثل «دیوانه‌ای از قفس پرید» که منتخب از نگاه مردمی بود به شماره دوم تئزل پیدا کرد؟

■ واقعا شما پاسخ آن را نمی‌دانید؟

واقعا نمی‌دانم. و هنوز هم در پی جواب هستم.

■ شاید هم سرنوشت شما مثل فلسفه‌شده! چون اساسا فلسفه یعنی پرسش. شما که سال‌ها می‌پرسید و جوابی دریافت نمی‌کنید؟! (می‌خندد) اما باین‌حال، من به درخواست بازیگران و عوامل فیلم ناچار شدم دنبال قضیه را بگیرم، فیلمی که با حداقل سرمایه و امکانات ساخته شده ولی دیده نشد!

■ چرا به کمیسیون فرهنگی مجلس که فراخوانده شدید، نرفتید؟ مرا دعوت کردند. ظاهرا کمیسیون فرهنگی مجلس جلسه‌ای تشکیل داده بود که صدای معترضان به داوری جشنواره را بشنود. اما من به داوری جشنواره کاری نداشتم. من حتی یک فیلم از فیلم‌های جشنواره را ندیدم که بخواهم گزارشی درباره جشنواره به کمیسیون بدهم. من مطالبه فرهنگی‌ام را فقط از طریق یک نامه فرهنگی به مسئول اصلی فرهنگ کشور منتقل کردم و هنوز و همچنان پیگیر مطالبه‌ام هستم.

■ کتاب «فلسفه فیلم» شما به‌تازگی به‌عنوان کتاب سال در جشن کتاب سینما برگزیده شده است. مایلیم دلیل نگارش و پرداختن به این موضوع را بدانم؟

همان‌طور که در نامه هم ذکر کردم، فلسفه فیلم رشته تخصصی و آکادمیک ۳۵ساله این‌جانب است که دو جلد دیگر آن که در موضوع نظریه فیلم معاصر است در آینده به طبع خواهد رسید. این کتاب نتیجه پژوهش‌ها و تحقیقات دراز مدت‌ای است که از سر شوق به ذات سینما در سال‌های متدّی حاصل شده است و در همین‌جا از دیدگاه مثبت هیئت داوران هم تشکر می‌کنم.

است. در اواخر فیلم، دنیا بعد از سرقت پول‌ها، سهم مادرش و میمنا را برای‌اشان می‌گذارد و خودش می‌رود تا در یک مسابقه به‌عنوان تماشاگری تنرس برای دوست ترویش، شانس بیاورد!! اما از کجا می‌داند ریکا برای زنده‌کردن پول‌ها سراغ میمنا و مادرش نخواهد رفت؟ یا – از همه عجیب‌تر – صحنه سرهم‌بندی‌شده انتهای فیلم را به چه منطقی می‌توان توجیه کرد، ریکا و سمیر در یک انباری درسته، میمنا را کروگان گرفته‌اند تا دنیا با پول‌های مسروقه برگردد. دنیا را در انبار وارد می‌شود. سمیر از همان در خارج می‌شود؛ اما وقتی انبار آتش می‌گیرد، دنیا و ریکا از تنها پنجره کوچک انبار می‌گریزند و میمنا ی خپل و گنده، پشت پنجره گیر می‌کند. واقعا چرا ریکا و دنیا برای نجات جان میمنا در ورودی انبار را از پشت باز نمی‌کنند؟ شاید به این دلیل که میمنا حتما باید بسوزد تا دنیا متوجه گناهانش شود و آتش نشانی بیاید؛ اما با وجود اصرار فراوان این عرب‌های حاشیه‌نشین، آتش را خاموش نکنند و عرب‌ها سر به اعتراض و شورش بردارند و ناگهان پلیس ضدشورش سر برسد و نتیجه اینکه پرده نهایی فیلم – برای دلبری از جشنواره‌ها – کمی هم نمک سیاسی بگیرد. واقعا که فیلم‌سازی در آن سوسی مرزهای ما، آن‌طور که می‌گویند، چندان هم دشوار نیست؛ به‌ویژه شرکت در جشنواره کن و بردن دوربین طاعتی آن.

نگاه

فرهادی در کنار فلینی و برگمان

افرا صفا

یکشنبه‌شب اسکاری برگزار شد که شاید بیشتر از همیشه دغدغه‌های سیاسی داشت. همان‌طور که انتظار می‌رفت «سرزمین لالا» که بیشترین نامزدی برای جوایز گوناگون را داشت توانست در شش بخش برنده شود. اما از گرفتن جایزه بزرگ، یعنی بهترین فیلم سال بازماند و آن را به «مهتاب» اثری درباره رنگین‌پوستان آمریکا واگذار کرد. هرچند ابتدا نام «سرزمین لالا» به اشتباه برای جایزه بهترین فیلم خوانده شد و هنگامی که دست‌اندرکاران این‌فیلم در میان سخنرانی پیروزی خود بودند، معلوم شد برنده اصلی «مهتاب» بوده است. این اشتباه ابتدا عوامل این دو فیلم را گیج کرد و در موقعیت بدی قرار داد، اما در نهایت باعث شد که هر دو فیلم با هم روی صحنه باشند و در اسکاری که همواره درباره یک فیلم برتر است، درواقع دو فیلم ستوده شوند و پیروزی‌ای به‌یادماندنی را رقم بزنند. آن‌طور که منتقدان فیلم در نیویورکتایمز تحلیل می‌کنند در زمانه‌ای که حقوق رنگین‌پوستان و اقلیت‌ها باری دیگر زیر سؤال رفته است، به نظر می‌رسد آکادمی اسکار توانسته است فیلمی موسیقیایی و روایت‌پرازانه، هرچند ستودنی را به فیلمی که پیام‌هایی برای دوران ما دارد، ترجیح بدهد. نگاشته نماد آن آکادمی بهترین کارگردانی را «به «سرزمین لالا» داد و با این انتخاب دیمین شیزل به جوان‌ترین کارگردانی تبدیل شد که این جایزه را دریافت کرده است. پس از دو سال که جوایز اسکار تنها به سفیدپوستان داده شده بود، امسال رنگین‌پوستان بسیاری نامزد جوایز بودند و بسیاری را برنده شدند. از نگاه منتقدان پس از اعتراضات سال‌های گذشته مبنی بر بی‌توجهی اسکار به استعدادهای رنگین‌پوست، آکادمی با این کار، خود را از تهمت‌های نژادپرستی دور کرد و خواست خود را از رئیس‌جمهوری که فرمان‌های غیرانسانی می‌دهد و خشم مردم دنیا را برانگیخته، جدا کند.

در اسکار امسال ستارگان از هر فرصتی برای ابراز خشم خود از اقدام‌های دونالد ترامپ استفاده کردند؛ هرچند لحن آنها نسبت به مراسم «گلدن گلوبز» کمتر تند و تیز و بیشتر آکنده با طنز بود. حتی در بخشی از مراسم جیمی کیمبل میزبان برای دونالد ترامپ پیام تویتری فرستاد. اما بخشی که از همه سیاسی‌تر و برای ما نیز از همه مهم‌تر بود، جایزه بهترین فیلم زبان خارجی بود که همان‌طور که پیش‌بینی شده بود به فیلم «روشنده» رسید. دکتر فیروز نادری، دانشمند سابق ناسا و خاتم نوشه انصاری، مهندس برجسته و نخستین توریست فضایی این جایزه را از طرف اصغر فرهادی ا دریافت کردند که به دلیل فرمان نژادپرستانه دونالد ترامپ، مبنی بر منع سفر اتباع هفت کشور عمدتا مسلمان نشین به آمریکا این مراسم را تحریم کرده بود. این دومین جایزه اسکار برای اصغر فرهادی و ایران است، هرچند او و ترانه علیدوستی هر دو در اعتراض به فرمان اجرایی ترامپ و به احترام مردم این هفت کشور به اسکار امسال نرفتند. بسیاری از جمله روزنامه‌ساز گاردین معتقدند اهدای این جایزه به فیلمی

دریچه

گفت‌وگوبا دکتر سعید خزایی

پژوهش را جدی بگیریم

نخستین دوره «جایزه پژوهش سینمایی سال» در آذرماه ۱۳۹۶ از سوی معاونت توسعه فناوری و مطالعات سینمایی و مدرسه ملی سینما و با دبیری اسماعیل بنی‌اردلان برگزار خواهد شد. فراخوان این جایزه از طریق سایت mmcciran.com قابل دسترسی است و علاقه‌مندان برای شرکت در این جایزه می‌توانند به این سایت مراجعه کنند. به‌همین دلیل با دکتر سعید خزایی گفت‌وگوی کوتاهی کردیم که می‌خوانید:

ک جایگاه پژوهش در سینمای ایران را تا به امروز چگونه ارزیابی می‌کنید؟

سینما رسانه‌ای فراگیر و تأثیرگذار است، از این جهت می‌توان سینما را با ادبیات و خلق یک فیلم سینمایی، با یک رمان ارزشمند، مقایسه کرد. سینما هم به‌عنوان یک هنر پرمخاطب و فراگیر و هم به مثابه یک صنعت نیازمند پژوهش و کنکاش است، مخاطب‌شناسی، موضوع‌شناسی، آینده سینما، سینمای آینده، ترکیب سینما با دیگر حوزه‌های علمی، از جمله حوزه‌هایی است که به‌شدت نیازمند پژوهش‌های کارشناسانه و ژرف است. سینما حتی برای ماندگاری و موفقیت، جلب و جذب مخاطبان نیازمند بازاندیشی در ساختارها و سامانه‌های خویش و جامعه است، اما متأسفانه در سال‌های گذشته حوزه پژوهش با بی‌مهری و بی‌توجهی روبرو بوده و شاید یکی از عوامل پیدایش چالش‌ها در سینما، ناشی از بی‌اعتنایی به حوزه‌های پژوهش بوده است. خوشبختانه به‌تازگی شاهد اهتمام بیشتری از سوی سازمان سینمایی در عرصه پژوهش سینمایی هستیم.

ک دلایل ضعف پژوهش و حوزه‌های تهی در پژوهش سینما کجاست؟

مسئله‌یابی مهم‌ترین مقوله در این عرصه است که خود می‌تواند موضوع پژوهشی گسترده باشد، به گفته میشل کروزیه، «مسئله، مسئله است». شاید نخستین کاستی در این حوزه، نبود نهادهای سازوکارهای قانونی و سازمانی برای پژوهش در این عرصه بوده است که در سال‌های اخیر این کاستی احساس شده و برخی تمهیدات برای آن اندیشیده شده است.

■ نکته درخور توجه دیگر پژوهش در موضوع‌یابی است. سینمای می‌تواند به سهم خود در ایجاد و هدایت فرهنگ نقشی درخور توجه داشته باشد. سینما باید به چه موضوعاتی به‌عنوان تم و درون‌مایه بپردازد؟

در سال‌های اخیر سینمای ما فقط در مسیر نوعی رئالیسم اجتماعی سطحی طی طریق کرده است، حال آنکه سینما می‌تواند جنبشی اجتماعی را فراهم کند. دست آخر اینکه سینما می‌تواند و باید به آینده خود بپردازد. پژوهش در حوزه آینده این هنر- صنعت، چالش‌ها و راهکارهای مناسب می‌تواند مقوله جذابی برای پژوهش باشد.

■ مهم‌ترین هدف از برگزاری جایزه پژوهش سینمایی سال چیست؟ برگزاری رویدادی علمی به‌عنوان جایزه پژوهش می‌تواند نقطه‌طفی در پژوهش‌های سینمایی باشد. این رویداد افزون بر اینکه موجب بسط تفکر نقد و پژوهشی در عرصه هنر هفتم خواهد شد، می‌تواند موتور محرکه پژوهش در حوزه سینما باشد تا شاید اندیشه‌ورزان با توجه بیشتر به ضرورت پژوهش‌ها، در مسیر مسئله‌یابی، موضوع‌یابی و تدوین نقشه راه سینما و همچنین بازبانی اهمیت این هنر در زندگی اجتماعی- سیاسی مردم، تلاشی دوجندان را وجهه همت خود قرار دهند.



ک آیا برگزاری این رویداد می‌تواند امکان فراهم‌شدن راهکاری برای تمام نقاط ضعف موجود باشد؟

این رویداد می‌تواند یک نقطه ططف باشد. تردیدی نیست از طریق پژوهش در سینما، امکان درک و فهم عمیق‌تر از سینما، چالش‌ها و راهکارها فراهم خواهد شد و بیشنی زرف‌تر را به اهالی سینما و مخاطبان خواهد بخشید. این پژوهش‌ها می‌تواند موجب مطالبه‌گری و ارتقای کیفی خواسته‌های سینماگران و مخاطبان بشود، اما غلبه بر چالش‌ها در همه عرصه‌ها نیازمند اهتمام ویژه مسئولان و نهادهای متولی است؛ یعنی همان جایی که نقش پژوهش خاتمه می‌یابد و راهکارهای مطرح‌شده باید از سوی نهادهای ذی‌ربط مورد توجه قرار گیرد.

ک دیدگاه شما درباره برگزاری دوره‌های آینده این رویداد و امکان‌های موجود در پیش‌روی آن چیست؟

جایزه پژوهش باید ادامه یابد تا در آینده به مثابه رویدادی مهم در کانون توجه اهالی سینما و مخاطبان قرار گیرد. این رویداد رفته‌رفته جایگاه خود را بازتعریف خواهد کرد. شایسته است در آینده جایزه پژوهش با افزایش اهمیت و نقش در چند حوزه به کار خود ادامه دهد؛ مسئله‌یابی برای پژوهش‌های بیشتر، درون‌مایه‌های سینمای ایران، سینمای فناوری و آینده، چالش‌های آینده در حوزه سینما، مخاطب‌شناسی و فرهنگ‌سازی.

■ با توجه به گستره تکنولوژی، سینما به چه سمتی خواهد رفت؟

به نظر می‌رسد تصور عمومی و رایج از سینما در آینده دستخوش تحولات گسترده‌ای خواهد شد. سینما شاهد رقیبان نواخته‌سای خواهد بود. افراد می‌توانند به شکلی غیرفیزیکی به سینما بروند، فناوری‌های تولید فیلم متحول خواهد شد. توجه به آینده سینما و سازگاری با این تحولات، رمز ماندگاری آن است. هنر هفتم می‌تواند نقشی بی‌بدیل در شناسایی نیازهای فرهنگی، علمی و اجتماعی جامعه داشته باشد و پس از شناسایی این نیازها در مسیر فرهنگ‌سازی و تعامل با مخاطبان حرکت کند، در غیراین‌صورت، شاید سینما به سرنوشت جعبه‌های شهر فرنگ دچار شود.

■ پژوهشگران در این فضا چه نقشی دارند؟

پژوهشگران عرصه سینما می‌توانند در بسیاری از عرصه‌ها ایفا نقش کنند؛ مطالعه تطبیقی سینمای کشورها، مختلف برای درک بهتر شرایط سینمای ملی، پژوهش برای شناسایی کاستی‌ها، چالش‌ها و راهکارهای سینمای معاصر کشور، مطالعه و نیازسنجی و نیازآفرینی در حوزه موضوعاتی که فیلم‌سازان باید مورد توجه قرار دهند، توجه به آینده سینما به‌عنوان یک صنعت – هنر و از همه مهم‌تر مطالعه و تحقیق در حوزه سینمای آینده به منظور توسعه تفکر آینده‌گرا در جامعه معاصر.